

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة
والمهديين وسلم تسليماً

قال تعالى: (وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا
جَلَّاهَا) ([1])، يوماً بعد يوم يرفع الله سبحانه بفضلته ومنه عن بصائرنا
طين المادة، لنعود ونبصر كما أراد لنا الله عز وجل أن نبصر، وأن نرى
من آياته الكبرى التي تجلى بها لخلقه معرفاً نفسه لهم تفضلاً منه تعالى
وإنعاماً وإكراماً.

خداوند متعال فرمود: (قسم به خورشید و نورش، قسم به ماه وقتی بعد از خورشید
بیاید، قسم به روز وقتی خورشید را روشن گرداند) ([2])، روز به روز خداوند سبحان با
فضل و منتش از چشمان ما گل ماده را می‌زداید، تا بازگردیم و همان‌طور که خداوند
عزوجل برای ما اراده کرده، ببینیم، و آیات بزرگی که به واسطه آن برای آفریدگانش
تجلی کرده را مشاهده کنیم و به واسطه آن خداوند، خودش را برای آنان معرفی
می‌کند، و به آنان تفضل می‌کند و نعمت و گرم می‌بخشد.

ومن تلك الآيات العظيمة وجود حجة الله جل و علا بين ظهر انينا يبين
لنا كما قال الله تعالى: (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا
كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ
مُبِينٌ) ([3])، نعم والله قد جاءنا من الله نور وكتاب مبين، فلم يكن يدور
بخلد الناس أن تكون الرؤى أو ما يصطلحون عليه بـ (الأحلام) ميداناً
معرفياً يستبين منه الحق وينفى عنه خبث الباطل وأدراجه، ويكشف عن
حقيقة لطالما بقيت طي الكتمان والخفاء مفادها أن النفس الإنسانية هي
وعاء لكلمات الله سبحانه ولذلك خلقها الله جللت قدرته.

یکی از آن آیات بزرگ، وجود حجت خداوند -جل و علا- در بین ما که مسائل را
برای ما روشن می‌سازد، همان‌طور که خداوند متعال فرمود: (ای اهل کتاب، پیامبر ما

به سوی شما آمده که بسیاری از چیزهایی از کتاب (آسمانی خود) را که پوشیده می‌داشتید برای شما بیان می‌کند، و از بسیاری (خطاهای شما) در می‌گذرد. قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشن‌گر آمده است) ([4])، بلکه به خدا قسم برای ما از سوی خداوند نور و کتاب آشکار آمده است، و به ذهن مردم نمی‌رسید که رؤیا یا چیزی که به اصطلاح به آن خواب‌ها می‌گویند، وسیله شناختی باشد که از طریق آن حق آشکار می‌شود و بدی و خُبث باطن را از آن نفی می‌کند و از حقیقتی پرده بر می‌دارد که پنهان و مخفی بوده، و آن این که نفس انسان ظرفی برای کلمات خداوند سبحان است، و به خاطر همین خداوند بزرگ، او را آفریده است.

وهذه النفس الوعاء يكون تلقيها بحسب تطهرها وإخلاصها (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) ([5])، ولعل تلقي كلمات الله سبحانه في الملكوت، العالم الذي لم يعص الله سبحانه فيه طرفة عين، هو دليل كرم المعطي وتفضله الابتداء، وكذلك هو بيان للناس أنهم كلهم مشروع أنبياء ورسول لله سبحانه ولكنهم للأسف حظهم ضيعوا وربهم أغضبوا.

این نفس ظرفی است و ریزش در این ظرف به حسب پاکی و اخلاص آن است (فردی که نفسش را پاک نموده، رستگار می‌شود) ([6])، ریزش کلمات خداوند سبحان در ملکوت است، عالمی که در آن به اندازه یک چشم به هم زدن از خداوند عصیان نشده است، و آن بر شروع بخشش عطاکننده و فضل او دلالت می‌کند، و هم‌چنین آن بیانی برای مردم مبنی بر این که همه آنان در مشروع پیامبران و فرستادگان خداوند سبحان هستند، ولی متأسفانه آنان بهره خود را از بین بردند و پروردگارشان را به خشم آوردند.

اليوم في هذه الدعوة المباركة أعيد لملكوت الله سبحانه اعتباره الذي أضاعه الناس بالانغماس في عالم المادة حتى بلغ طينها الآذان والأعين

فطمست للأسف وحرمت سماع الحق من الحق هكذا من دون واسطة،
ومن دون أن يفتح الباب لفلان وفلان ليشكك بناقل الخبر، أو بمتن الخبر،
فهذا الخبر لم تتناقله الرجال، بل هو نزل من عند الله سبحانه مباشرة في
الوعاء الذي أعده الله سبحانه محلاً لذلك.

امروزه در این دعوت مبارک، اعتبار ملکوت خداوند بازگشته است، چیزی که مردم
آن را به سبب فرو رفتن در عالم ماده از بین بردند، به طوری که گِل آن وارد گوش ها و
چشمان شده و متأسفانه بسته شدند، و از شنیدن حق از خداوند حق و بدون واسطه،
محروم گشتند، و بدون این که درب برای فلانی یا فلانی باز بشود تا به ناقل خبر یا متن
خبر شک کنند، و این خبری است که افرادی آن را نقل نکردند، بلکه به صورت
مستقیم در ظرفی که خداوند سبحان آن را مکانی برای این مسائل قرار داده از سوی
خداوند سبحان فرستاده شده است.

ولیس غریباً أن يكون القتال في هذه الدعوة المباركة ميدانه إثبات
الرؤيا بوصفها سبيلاً إلهياً للهداية لا يمكن نكرانه إلا جهلاً أو جحوداً، ولا
يمر بخلد القارئ أن وصف القتال هو دعوة للعنف، بل على العكس تماماً
هو دعوة حقيقية للسلام الحقيقي، لأن معنى القتال هنا هو القتال الحقيقي
مع الأنا الحجاب الظلماني في النفس الإنسانية الذي يعمل على تشكيكها
بنور الله سبحانه وحبسها في هذا العالم المادي الذي هو عدم قابل
للوجود، أي هو بالنتيجة عالم عديم وليس حقيقياً وإن كان له حظ في
الوجود فهو بتقومه بنور الله سبحانه، وإنما كان هذا العالم للامتحان لا
غير، والعوالم الحقيقية هي تلك العوالم التي تقترب من النور الحق.

دور از ذهن نیست که در این دعوت مبارک جنگ برای اثبات رؤیا به عنوان یک
طریق الهی برای هدایت است که نمی توان آن را انکار کرد، مگر از روی نادانی و
لجاجت، و به ذهن خواننده خُطور نکند که معنای جنگ در این جا، دعوت به عنف
است، بلکه کاملاً برعکس است، و آن همان دعوت حقیقی به اسلام حقیقی است،

چون معنای جنگ در این جا همان جنگ حقیقی با مَنیّت که آن یک حجاب ظلمانی در نفس انسانی که به نور خداوند سبحان تشکیک وارد می‌کند و آن را در عالم مادی حَس می‌کند، ماده‌ای که عدمِ قابلِ وجود است، یعنی در نتیجه عالمی‌آست که عدم است و حقیقت نیست، هرچند بهره‌ای از وجود دارد و این بهره به واسطه نور خداوند سبحان اُستوار شده است، و این عالم فقط برای امتحان است، و عوالم حقیقی عوالمی هستند که به نور حق نزدیک می‌شوند.

والمملوکات هو عالم اقرب من عالم الدنيا الى النور الحق، وهو عالم طاعة، وما يراه فيه العبد فهو حق من عند الحق ليس فيه تضليل أو تزييف أو خداع، ولذلك توجهت له سهام فقهاء آخر الزمان ومن ينعم بقولهم لتشكيك الناس بما يرون من حق في عالم المملوكات الذي فتحه الله سبحانه ببركة وجود وصي ورسول الإمام المهدي (ع)، ليس هذا حسب، وإنما بين اليماني (ع) وصي ورسول الإمام المهدي (ع) أن ما يأتي من المملوكات هو معرفة إلهية عظيمة تختزل لمن يرى في المملوكات ربما عمراً يفنيه في طلب تلك المعرفة وربما يحصل عليها أو قد لا يحصل، ولكن بعروج روحه إلى عالم المملوكات فقد تتلقى فيه تلك المعرفة بزمن قياسي جداً لا يتجاوز اللحظات، وسأدلل على ذلك بنقل جوهرة ملكوتية لأحد الأخوة الذين وفقهم الله سبحانه أن يتلقوا كلماته في عالم المملوكات، وسأنقل لكم تأويل قائم آل محمد ويمانهم (ع) لهذه الكلمات التي تلقاها الأخ الذي رأى في ملكوت الله سبحانه ما عجز عما يراد منه فأرسل سؤاله إلى قائم آل محمد ويمانهم (ع) قائلاً:

ملکوت عالمی‌آست که از عالم دنیا به نور حق نزدیک‌تر است، و آن عالم اطاعت است، و آن چه بنده در آن می‌بیند همان حقی است که از نزد حق است و در آن گمراهی یا فریب دادن نیست، و به همین خاطر تیرهای فقهای آخرالزمان و افرادی که سخنان آن‌ها را می‌گویند، به آن مُتوجه است، تا مردم در حقی که در عالم ملکوت

می‌بینند، تشکیک وارد کنند، عالمی که خداوند به برکت وجود وصی و فرستاده امام مهدی (ع) درب‌های آن را باز نموده است فقط این نیست، و یمانی (ع) -وصی و فرستاده امام مهدی (ع)- روشن ساخت که آن‌چه از ملکوت می‌آید، شناخت الهی بزرگی است برای آن‌چه که فرد در ملکوت می‌بیند، و چه بسا در به دست آوردن این شناخت، عمر از بین برود، و شاید به دست بیاید یا به دست نیاید، ولی با بالارفتن روح او به عالم ملکوت، آن شناخت را به دست می‌آورد، در طول زمانی که از چند لحظه هم نمی‌گذرد، برای درک این مطلب گوهری ملکوتی را نقل می‌کنم و این رؤیای یکی از برادران است که خداوند سبحان او را موفق نموده است که کلمات او را در عالم ملکوت به دوش بکشد، و تأویل قائم آل محمد و یمانی آنان (ع) را در مورد این کلمات نقل می‌کنم، کلماتی که این برادر در ملکوت خداوند سبحان دیده است و منظور از آن را متوجه نشده است و سؤالش را به قائم آل محمد و یمانی آنان (ع) فرستاده است، سؤال این‌گونه است:

[السؤال / ٤٩٠ : بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

سيدي ومولاي يابن رسول الله صلوات ربي عليك وعلى آبائك
الطاهرين والمهدين من ولدك.

سيدي ومولاي، رأيت رؤيا في المنام عجزت عن تفسيرها وأخذ
العبرة منها، فوجهت وجهي لكم سيدي لأفهم المقصود من رؤيائي: وجدت
يا سيدي أنني مع مجموعة من الزملاء في بعثة دراسية لبلد أجنبي، ولكن
حين وصلنا لهذه البلدة وجدناها لا تروق لنا ونريد الخروج منها، فكان
من معي من الإخوة مختلفين في ما بينهم على الطريقة الأمثل وشرح
سبب مناسب لمن أرسلنا لهذه البلد، فوجدت نفسي أقول لهم: اجمعوا
أمركم على قول واحد وقولوا بما قال نبي الله موسى لقومه.

فما كان قول نبي الله موسى لقومه المناسِب لمثل حالنا هذا؟ وهل لهذا القول علاقة بقضية الإمام المهدي سلام الله عليه؟ وبماذا توجهني وتنصني به في مثل هذه المواقف؟].

سؤال / ٤٩٠: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

آقا و مولای من، ای فرزند رسول الله، درود پروردگار من بر تو و پدران پاک و مهديين از فرزندان.

آقا و مولای من، رؤیایی دیدم که از تفسیر و گرفتن عبرت از آن ناتوان هستم، آقای من، به سمت شما رو آوردم تا مقصود از رؤیایم را بفهمم: آقای من، بنده و تعدادی از دانشجویان به سمت کشور خارجی برای تحصیل علم رفتیم، ولی زمانی که به آن شهر رسیدیم متوجه شدیم که آن جا به درد ما نمی خورد، می خواستیم از آن بیرون برویم، برادرانی که با من بودند در مورد راه صحیح و شرح علت مناسب برای فردی که به این شهر فرستاده شدیم اختلاف داشتند، انگار به آنان می گفتم: سخن تان را یکی کنید و سخنی را بگوئید که پیامبر خدا موسی به قومش فرمود.

سخن پیامبر خدا موسی به قومش که مُتناسب با این حال ما بود چیست؟ آیا این سخن با قضیه امام مهدی (ع) مُرتبط است؟ درچنین جایگاهی چه نصیحتی به من می کنید؟

فجاءه الجواب كالآتي مع ملاحظة أنني سأترك ذلك الجواب الإلهي يتكلم عن نفسه من دون تعليق سائلاً المولى سبحانه أن يكون في تلك الرؤيا وفي تأويلها سبيل هداية للقارئ لمعرفة الحق وداعيه والعمل على نصرته، وجواب الإمام أحمد الحسن (ع) على الرؤيا هو الآتي:

پاسخ به این صورت آمد، و من این پاسخ الهی را رها می کنم تا خود در مورد آن سخن بگوئید، بدون اینکه تعلیقی به آن بزنم، و از خدای سبحان می خواهم که در این

رؤیا و در تاویل آن، راهی برای هدایت خواننده باشد تا حق و دعوت کننده آن را بشناسد و برای یاری آن عمل کند، پاسخ سید احمد الحسن در مورد رؤیا این چنین است:

[بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة
والمهديين وسلم تسليماً.

اعلم وفقك الله أن صيحة جبرائيل (ع) تتبعها صيحة إبليس، وكل
صيحة حق تتبعها صيحة باطل، فكما تسمع بدعوة الحق وداعي الحق لا بد
أن تمر بالامتحان وتسمع من شياطين الإنس والجن الشبهات التي
يريدون أن يغطوا بها الحق ويضلوا بها الخلق عن الصراط المستقيم،
فهذه رؤياك تبين لك الرد المناسب على شيعة المراجع أو أعوانهم
والمنتصرين لهم، الذين يوجبون تقليد غير المعصوم بأهوائهم ونصبوا
لأنفسهم عجالاً وسامرياً وضلوا عن سواء السبيل، فالله يبين لك أن الرد
المناسب عليهم عندما يدعونك إلى الابتعاد عن الحق هو ما قاله
موسى (ع) لأشباهم: (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ
بَاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ
فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ) البقرة: 54.

[بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم
تسليماً.

خدابه شما توفیق دهد، بدان که بعد از صیحه جبرئیل، صیحه ابلیس می آید، و بعد
از هر صیحه حقی صیحه باطلی می آید، همان گونه که دعوت حق و دعوت کننده حق
را می شنوی، باید در کنار آن امتحانی باشد و از شیاطین انسان و جن شبهاتی را
می شنوید که می خواهند به واسطه آن حق را بپوشانند، و با آن مردم را از راه مستقیم
دور کنند، و این رؤیای شما پاسخ مناسب به شیعه مراجع و یا اوران و یاران آنهاست،

افرادی که تقلید از غیر معصوم را با هواهای خود واجب کردند، و برای خودشان گوساله و سامری قرار دادند و از راه راست گمراه شدند، و خداوند برای شما بیان می‌کند که پاسخ مناسب به آنان وقتی شما را به دوری از حق دعوت می‌کنند، این سخن موسی (ع) به امثال این هاست: (چون موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما با (به پرستش) گرفتن گوساله، بر خود ستم کردید، پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید، و خودتان را به قتل برسانید، که این (کار) نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. پس (خدا) توبه شما را پذیرفت، که او توبه‌پذیر مهربان است) ([7]).

بل و أيضاً قول موسى (ع) لقومه: (يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ) المائدة: ٢٠، مناسباً لأن تنصحهم به وتذكرهم بوصية رسول الله محمد (ص) إذ نصب فيهم الأئمة والمهديين (ع) (إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا)، فالمفروض أن تشكروا نعمة الله الكبرى عليكم وفيكم باتباع الحق والأخذ بوصية الرسول الكريم محمد، فالله قد آتاكم ما لم يؤتِ أحداً من العالمين، أنتم بالخصوص في هذه الأمة حيث جعل لكم قادة هم خيرة خلقه سبحانه، وهم محمد وآل محمد الأئمة والمهديون (يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ)].

همچنین سخن موسی (ع) به قومش برای آنان مناسب است: (و یاد کن) زمانی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را پادشاهانی ساخت، و آنچه را که به هیچ کس از جهانیان نداده بود، به شما داد) ([8]). با آن می‌توانید آنان را نصیحت کنید و وصیت رسول الله محمد (ص) را به یادشان بیاورید، وصیتی که امامان و مهدیین (ع) در آن منصوب شده‌اند (زمانی که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهانی قرار داد)

، واجب است که شما و در میان خود نعمت بزرگ خداوند به میمنت اتباع حق و تمسک جستن به وصیت رسول الله حضرت محمد(ص) شکر نمایید، و خداوند به شما چیزی داده که به فردی از جهانیان نداده است، بخصوص که شما در این امت وقتی که برای شما رهبرانی قرار داد که بهترین آفریدگان خداوند سبحان هستند و آنان محمد و آل محمد(ع) -امامان و مه‌دیین- هستند، (ای قوم، نعمت خداوند بر شما را یاد کنید، وقتی در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهانی قرار داد، و به شما چیزی داد که به فردی از جهانیان نداده است).]

فهل تتدارك أمة تنتسب إلى محمد(ع) سيد الخلق تقصيرها الهائل بحق الكرم الإلهي العظيم إذ تفضل عليهم بظهور داعي الحق يمانى آل محمد(ع) وها هو يقول لهم كما قال موسى(ع) لقومه:

آیا امتی که به حضرت محمد(ص) - اشرف کاینات- مُنتسب است، کوتاهی بزرگ خود را در حق بخشش بزرگ الهی جُبران می‌کند، وقتی که خداوند با ظهور دعوت کننده حق -یمانى آل محمد(ع) - به آنان تَفَضُّل نموده است، و اوبه آنان همان طور که موسی(ع) به قومش گفت، خطاب می‌کند:

(يا قوم اذكروا نعمة الله عليكم إذ جعل فيكم أنبياء وجعلكم ملوكا وآتاكم ما لم يؤت أحداً من العالمين)، وموسى(ع) قائم آل إبراهيم(ع)، وأحمد(ع) قائم آل محمد(ع)، والغريب أن المسلمين يرددون الصلاة الإبراهيمية - كما يصطلحون عليها - من دون أن يفقهوا سرها !!

(يا قوم اذكروا نعمة الله عليكم إذ جعل فيكم أنبياء وجعلكم ملوكاً وآتاكم ما لم يؤت أحداً من العالمين) موسى قائم آل إبراهيم(ع) است و أحمد(ع) قائم آل محمد(ع)

است، و جالب است که مسلمانان صلوات ابراهیمی را زمزمه می‌کنند-همان طور که این نام را آنان به این صلوات می‌گویند- بدون این که راز آن را بدانند!

**حتى بين سرها قائم آل محمد الإمام أحمد الحسن(ع) في المتشابهات
أنقله هنا للفائدة وللذكرى امثالاً لقوله تعالى: (وَذَكَرْنَا الذِّكْرَى تَنْفَعُ
الْمُؤْمِنِينَ) [9].**

تا این که قائم آل محمد سید احمد الحسن (ع) راز آن را در متشابهات بیان کرده است، من آن را برای فایده و تذکر نقل می‌کنم، به خاطر امثال سخن خداوند متعال: (تذکر بده، چون تذکر برای مؤمنین فایده دارد) ([10]).

وهذا السؤال وجواب الإمام أحمد الحسن(ع) له:

این سؤال و پاسخ سید احمد الحسن (ع) در مورد این مطلب است:

**[سؤال / ۱۱۷: اللهم صلّ على محمد وآل محمد كما صليت على
إبراهيم وآل إبراهيم، من المعلوم أنّ محمداً وآل محمد أفضل من إبراهيم
وآل إبراهيم، فكيف يكون الطلب من الله أن يصلي على محمد وآل محمد
كما صلي على إبراهيم وآل إبراهيم(ع)، أليس المفروض أن تكون أفضل
مما صلي على إبراهيم وآل إبراهيم؟**

**[سؤال / ۱۱۷: اللهم صلّ على محمد وآل محمد كما صليت على إبراهيم وآل
إبراهيم "خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست، همان طور که بر ابراهیم و آل
ابراهیم درود فرستادی، مشخص است که محمد و آل محمد از ابراهیم و آل ابراهیم
افضل ترند، پس چگونه از خداوند درخواست می‌کنیم که همان طور که بر ابراهیم و آل**

ابراهیم(ع) درود فرستاده بر محمد و آل محمد(ع) درود بفرستد، آیا این گونه نیست که درود بر محمد و آل محمد از درود بر ابراهیم و آل ابراهیم(ع) با فضیلت تر باید باشد؟؟

الجواب: الصلاة على محمد وآل محمد تعني الطلب من الله سبحانه وتعالى أن يفرج عن محمد وآل محمد ويظهر قائمهم، ولذلك قرنت بالصلاة على إبراهيم وآل إبراهيم؛ لأن الله سبحانه وتعالى عجل فرج إبراهيم وآل إبراهيم(ع) وأظهر قائمهم، وهو نبي الله موسى(ع).

پاسخ: درود بر محمد و آل محمد به معنای این است که از خداوند -سبحان و متعال - درخواست می شود که برای محمد و آل محمد(ع) گشایشی حاصل شود و قائم آنان را آشکار کند، به همین خاطر با درود بر ابراهیم و آل ابراهیم همراه شده است، چون خداوند سبحان و متعال در فرج ابراهیم و آل ابراهیم(ع) تعجیل نموده و قائم آنان را آشکار کرده است و او پیامبر خدا موسی(ع) بود.

فالطلب من الله بالصلاة على محمد وآل محمد كما صلى على إبراهيم وآل إبراهيم، يعني: يا الله أظهر قائم آل محمد(ع) كما أظهرت قائم آل إبراهيم(ع) وهو موسى(ع)، وكان بنو إسرائيل ينتظرون موسى(ع) كما ينتظر المسلمون الإمام المهدي(ع) الآن.

و درخواست از خداوند برای درود بر محمد و آل محمد(ع) همان طور که بر ابراهیم و آل ابراهیم(ع) درود فرستاده شده، به معنای این است که خداوند، قائم آل محمد(ع) را آشکار کن، همان طور که قائم آل ابراهیم(ع) را آشکار نمودی، و ایشان همان حضرت موسی(ع) بودند، بنی اسرائیل منتظر موسی(ع) بودند، همان طور که الان مسلمانان منتظر امام مهدی(ع) هستند.

والحمد لله حمداً كثيراً طيباً أن جعلنا من أهل زمن قائم آل محمد (ع) ووقفنا بمنه وفضله علينا لمعرفة الحق وداعيه، على أن معرفتنا بقدرنا لا بقدره سبحانه سائلين المولى عز وجل أن يثبتنا بالقول الثابت ويقبلنا في أهل ولايته إنه سميع مجيب دعوة الداعي إذا دعاه.

والحمد لله وحده وحده وحده.

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)

الأستاذ زكي الأنصاري

٦ / شهر رمضان المبارك / ١٤٣٢ هـ ق

الموافق ٦ / آب / ٢٠١١ م

ستایش بسیار و پاک مخصوص خداوند است، به خاطر این که ما را اهل زمان قائم آل محمد (ع) قرار داد، وبا منت و فضل خود بر ما، به ما توفیق شناخت حق و دعوت کننده او قرار داد، شناخت ما به اندازه ماست، نه به اندازه خداوند سبحان، از مولای عزوجل می خواهیم که ما را با سخن ثابت استوار بدارد و ما را در نصرت اهل ولایتش قبول کند، اوست که شنونده و پاسخ دهنده دعای دعوت کننده - زمانی که او را می خواند - است...

والحمد لله وحده وحده وحده.

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)

استاد زکی انصاری

٦ / ماه مبارک رمضان / ١٤٣٢ هـ ق

٦ / آوریل / ٢٠١١

- [2] - شمس: 3 - 1.
- [3] - المائدة: 15.
- [4] - مائدة: 15.
- [5] - الشمس: 9.
- [6] - شمس: 9.
- [7] - البقرة: 54.
- [8] - المائدة: 20.
- [9] - الذاريات: 55.
- [10] - ذاريات: 55.